

اسحاقی، حسین، ۱۳۴۱ -

تربیت و تعالی، روزن رستگاری / تألیف سید حسین اسحاقی. - قم: خادم الرضا، ۱۳۹۰.

۱۶۸ ص. - (دانشنامه جوان سلوک جوانی؛ ۱۰)

شابک جلد (۱۰): ISBN 978 - 600 - 206 - 020 - 4

شابک دوره: ISBN 978 - 600 - 206 - 024 - 2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۶۳، همچنین به صورت زیر نویس.

۱. جوانان و اسلام. ۲. جوانان - اخلاق - جنبه های مذهبی - اسلام. ۳. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ - نظریه درباره جوانان. الف. عنوان.

۲۹۷/۴۸۳۱۲

۹ ر ۵ الف / ۱۶ / ۲۳۰ BP

دانشنامهٔ جوان

سکونِ جوانی

(۱۰)

تربیت و تعالی، روزن و ستگاری

سید حسین اسحاقی



مجلس شورای اسلامی ایران

قم / خیابان صفائیه (شهدا) / انتهای کوی بیگدلی
نیش کوی شهید گلدوست / پلاک ۲۸۴ / صندوق پستی ۳۷۱۵۵/۶۱۱۳
تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲ - ۷۷۳۶۱۶۵ / ۷۷۳۶۱۶۵ - ۰۲۵۱ / ۷۷۳۶۱۶۵ - ۰۹۱۲۵۵۱۷۲۵۸

دانشنامه جوان

سلوک جوانی (۱۰)

تربیت و تعالی، روزن رستگاری

ناشر: انتشارات خادم‌الرضا (ع) / مؤلف: سید حسین اسحاقی
ویراستار: سعیده مهاجر آیرملو / صفحه‌آرا: مرتضی فتح‌اللهی
طرح جلد: مرتضی شمسعلی‌پور / لیتوگرافی: صیام
چاپ: عمران / صحافی: الهادی / شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
بها: ۲۱۰۰ تومان

قیمت دوره ۱۴ جلدی: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۲-۰۲۴-۰۲۰۶-۰۶۰۰-۹۷۸

شابک جلد: ۴-۰۲۰-۰۲۰۶-۰۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق برای انتشارات خادم‌الرضا (ع) محفوظ است.

مرکز پخش:

ستاد اجرایی طرح توسکا (مجری توزیع سراسری کتاب ایران)

انتشارات خادم‌الرضا (ع)

تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲ - ۷۷۳۶۱۶۵ / ۷۷۳۶۱۶۵ - ۰۲۵۱ / ۷۷۳۶۱۶۵ - ۰۹۱۲۲۵۱۳۶۸۹

فهرست مطالب

سپیده‌ی سخن	۱۱
-------------------	----

فصل اول

عوامل مؤثر در تهذیب نفس و تربیت انسان

از دیدگاه امام خمینی (ع) / ۱۹

بیداری به منظور خودسازی	۲۱
نقش محاسبه نفس در تهذیب	۲۲
خدامحوری در کارها و «فنا فی الله»	۲۴
باورمندی به حضور خداوند	۲۵

۲۶	آزمون الهی، وسیله خودیابی
۲۷	تأثیر خانواده و جامعه بر شخصیت سازی
۲۹	نقش عملی مربی در تهذیب و تربیت
۳۱	جوانی، بهترین زمان تربیت پذیری

فصل دوم

شخصیت شناسی جوان / ۳۳

۳۵	جوان و فطرت پاک
۳۶	جوان و زیبایی طلبی
۳۷	جوان؛ خلاقیت، نوآوری و پرسشگری
۳۹	حس مذهبی جوانان
۴۰	جوان و هویت یابی
۴۱	جوان و تربیت جنسی
۴۲	درک جوانی
۴۴	جوانی از منظر امام خمینی
۴۶	جوانی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب

فصل سوم

تربیت دینی با تأمین حقوق

و خواسته های برحق جوانان / ۴۹

۵۱	درک روحیه جوانان و نیکی به آنها
----	---------------------------------

۵۳	بخود سازندگی و بالندگی جوان
----	-----------------------------

مدارا با جوان	۵۵
ارزش نهادن به شایستگی های جوانان	۵۶
بهره گیری از نظر جوانان در مشورت ها	۵۸
انس گرفتن با جوان	۵۹
جوان و حق نظارت و حفاظت از او	۶۱
روش های مؤثر در هدایت نسل جوان	۶۳
هدایت غیرمستقیم جوانان	۶۳
خانواده، کانون هدایت یا گمراهی	۶۵
تأثیر هم سالان و دوستان بر جوانان	۶۷
عملکرد مربیان در محیط آموزشی و تأثیر آن بر جوانان	۶۸
برخورد مناسب با انحراف و رفتارهای ناشایست جوانان	۷۰
پاسخ دادن به نیازهای مذهبی جوانان	۷۲
مهیا کردن وسیله ازدواج، در سایه سار عشق حقیقی	۷۴

فصل چهارم

جوان و آموزه های تعالی بخش / ۷۷

استفاده از فرصت جوانی	۷۹
فرصت سازی برای پیری	۸۰
تقویت نیروی عقل و اندیشه در پرتو دانش و تجربه	۸۲
دانش اندوزی	۸۳
آراستگی به فضیلت های اخلاقی	۸۴

۸۶	پاک سازی نفس
۸۸	خوش خلقی، زینت جوانان
۹۰	خویشتن داری
۹۱	اراده و کوشش
۹۲	عبادت و بندگی
۹۴	دوری از محیط های آلوده و دوستان ناپاک
۹۶	اخلاص
۹۷	خدا ترسی
۹۸	چشم گریان
۹۹	پشیمانی و ترک گناهان
۱۰۱	دوستی و ارتباط با مسجد
۱۰۱	مردم دوستی
۱۰۳	گره گشایی
۱۰۴	رعایت انصاف
۱۰۴	توجه به کاستی های خود
۱۰۶	شهو ت گریزی
۱۰۷	سکوت و گزیده گوئی
۱۰۸	احترام به والدین
۱۱۰	خوش زبانی و خوش رفتاری با والدین
۱۱۱	احسان به والدین
۱۱۲	صیانت از جسم
۱۱۴	زیاده روی در تأمین نیازهای جسمانی
۱۱۶	اندوه و اضطراب، آفت جسم

فصل پنجم

آراستگی به سه خصلت زیبا در جوانی / ۱۱۷

- الف: ادب در گفتار ۱۱۹
- صدای معتدل ۱۱۹
- پرهیز از صدای بلند ۱۲۰
- پرهیز از قهقهه ۱۲۱
- آرامش صدا در مناجات ۱۲۲
- پرهیز از دشنام دادن ۱۲۳
- سخن و سکوت به جا ۱۲۴
- برخی از بی‌آمدهای ناسزاگویی ۱۲۵
- برخی آثار نریمی در گفتار ۱۲۶
- دوری از بیهوده‌گویی ۱۲۷
- زیباگویی ۱۳۰
- بی‌آمدهای بیهوده‌گویی ۱۳۲
- ب: عزت‌مندی ۱۳۷
- عوامل عزت‌آفرین ۱۳۸
- عزت و بی‌نیازی از دیگران ۱۴۰
- عزت‌مندی در پرتو پیروی از رهبران الهی ۱۴۱
- قناعت و خودباوری، ره‌آورد عزت‌مندی ۱۴۲
- ج: میانه‌روی در زندگی ۱۴۴
- تعادل در غرایز جنسی ۱۴۶
- تعادل در دوستی و معاشرت ۱۴۸
- تعادل در مال‌اندوزی ۱۴۸

- ۱۵۰ اعتدال در گفتار.
- ۱۵۱ تعادل در دنیا طلبی
- ۱۵۲ میانه روی در خوردن
- ۱۵۳ میانه رو بودن در بخشش
- ۱۵۷ پی نوشت
- ۱۵۷ زمزم دل؛ گل واژه های کوتاه تربیتی
- ۱۶۳ منابع و مآخذ

سپیده‌ی سخن

دید انسان‌ها نسبت به هستی و جایگاهشان در عالم هستی متفاوت است؛ گروهی خسته‌اند، خسته از هستی خویش، از بودن‌ی که برایشان مبهم است؛ بودن‌ی که نمی‌دانند چرا، از کجا و به کجاست؟ یا در اصل این بودن خوب است یا بد. مشکل این گروه از جایی آغاز شد که در میان خیال و حقیقت گم شدند و آب و سراب را یکی پنداشتند، حقیقت روشن زندگی را به فراموشی سپردند و شد آنچه نباید می‌شد.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾؛^۱

«مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کرده‌اند و خدا هم خودشان را از یادشان برد.»

گروهی دیگر از ژرفای زمان و بی‌انتهای بودن می‌آیند. آنها برای بودنشان ارزش بسیاری قائل‌اند و دریافته‌اند که بودنشان از او و بازگشتشان نیز به سوی اوست؛ بودنشان امتحانی است برای خوب زیستن و چگونه بودن. صداهایی می‌شنوند که انگار آنها را از درون می‌خوانند و این صدا چقدر برایشان آشنا و دل‌رباست:

﴿وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۱

«خداوند، شما را به سوی سرای سلامتی فرا می‌خواند و هر آن کس را که بخواهد به راه راست هدایت کند».

و آن گاه که انسان کمال مطلق را شناخت، به گواراترین چشمه هستی دست می‌یابد و با نوشیدن آن به آرامش و پویایی ویژه‌ای می‌رسد. در این هنگام ندا می‌دهد:

روز هجران و شب فرقت یار آخر شد
زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد
این گروه برای رسیدن به قرب و کمال، سرازیر نمی‌شناسند و در انتظاراند تا نوای روحانی کریمه قرآنی، گوش جانانشان را بنوازد که:

﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾^۲

روح انسان نیز چون جسم او، برای بزرگ و قوی شدن، نیاز به تمرین و پرورش دارد؛ اگر کج‌راهه‌ها و پرتگاه‌های راه را

بشناسیم و با حساب و کتاب حرکت کنیم، به یقین، به کمال خواهیم رسید. به فرموده امام خمینی^۱:

شما که اکنون جوانید، نیروی جوانی دارید، بر قوای خود مسلط می‌باشید و هنوز ضعف جسمی بر شما چیره نشده است. اگر به فکر تزکیه و ساختن خویش نباشید، هنگام پیری که ضعف، سستی رخوت و سردی بر جسم و جان شما چیره شد و نیروی اراده و تصمیم و مقاومت را از دست دادید، چگونه می‌توانید خود را بسازید؟! شما تا جوان هستید، می‌توانید کاری انجام دهید.^۱

باید با پذیرش بندگی خدا و سر سپردن در برابر آن عزیز یگانه، قطره پرتلاطم وجود خود را به دریای بی‌کران هستی سپرد و با محو شدن در آن، خود دریایی بی‌کران از عزت و سرافرازی؛ زیرا:

قطره دریاست، اگر با دریاست

ورنه او، قطره و دریا، دریاست

در آموزه‌های دینی، نقش تربیت و اخلاق در ایجاد یک زندگی سالم فردی و اجتماعی و فراهم کردن آسایش انسان، زیربنایی و ضروری است. اخلاق غذای روح انسان است و فرد بی‌اخلاق تنها به ظاهر زنده است. پیامبر اکرم^۲ که سرآمد فرستادگان الهی بود، راز بعثت خود را کامل کردن ارزش‌های اخلاقی معرفی می‌کند: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».^۲ از نظر اسلام، شناخت ارزش‌های اخلاقی، وظیفه‌ای است که عمل به آن، مایه آرامش معنوی است.

۱. جهاد اکبر، ص ۵۸-۵۷.

۲. محجة البیضاء، ج ۴، ص ۱۲۱.

از امام علی علیه السلام در این باره چنین روایت شده:

«الْجُهْلُ بِالْفَضَائِلِ مِنْ أَقْبَحِ الرَّذَائِلِ»^۱

«ناآگاهی از ارزش و فضیلت‌های اخلاقی، بدترین

فرومایگی‌هاست».

اهمیت و ارزش آداب و فضیلت‌های اخلاقی در سیره

معصومان، به اندازه‌ای است که می‌فرمایند: «اگر انسان فقط دو

روز در این جهان وقت داشته باشد، سزاوار است که یک روز آن را

در آموزش ادب و اخلاق صرف کند تا در آخرت از آن بهره گیرد».^۲

ویژگی‌های نیک اخلاقی، مایه حفظ شخصیت انسان و

پاسخی به فراخور فطرت فضیلت‌خواه انسان است. البته رعایت

ارزش‌ها در دوران جوانی، اهمیت و جایگاه فراتری دارد و عامل

ثبات شخصیت فردی و اجتماعی جوان به شمار می‌رود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«يَا مَعْشَرَ الْفَتَيَانِ حَصِّنُوا أَعْرَاضَكُمْ بِالْأَدَبِ»^۳

«ای جوانان! شخصیت و آبروی خود را در پرتو

آداب و ارزش‌های اخلاقی حفظ کنید».

سعادت و خوش‌بختی یک جوان، تنها با دوری از رذیلت‌ها و

کسب فضیلت‌ها محقق می‌شود؛ زیرا فاصله گرفتن از رذیلت‌ها،

راه را برای رسیدن به نیک‌بختی هموار می‌کند و سبب می‌شود تا

جوان فطرت و پاکی خود را از آلوده شدن به ناپاکی‌ها و

پلیدی‌ها دور نگه دارد. از امام علی علیه السلام نقل می‌کنند که:

۱. غررالحکم و درر الکلم، ص ۷۳.

۲. کافی، ج ۸، ص ۱۳۲.

۳. ترجمه تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۳.

«مِنْ سَعَادَةِ الْحَدَثِ أَنْ لَا يَتِمَّ لَهُ فَضِيلَةٌ فِي رَذِيلَةٍ»^۱

«این از سعادت جوان است که هیچ برتری در زشتی‌ها برای او صورت نگیرد».

برای کسانی که در اندیشه تهذیب و تحصیل‌اند، هیچ فرصتی گران‌بها تر از روزگار جوانی نیست.

جوانی عزیز است زیرا جوانی بُود بهترین دوره زندگانی رسا

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

جوانان نشینند که گرد پیری سر و روی آنان را سفید کند، ما به پیری رسیده‌ایم و به مصایب و مشکلات آن واقفیم. شما تا جوان هستید، می‌توانید کاری انجام دهید، تا نیرو و اراده جوانی دارید، می‌توانید هواهای نفسانی... را از خود دور سازید. ولی اگر در جوانی به فکر اصلاح و ساختن خود نباشید، دیگر در پیری کار از کار گذشته است. تا جوانید فکری کنید، نگذارید پیر و فرسوده شوید. قلب جوان لطیف و ملکوتی است و انگیزه‌های فساد در آن ضعیف می‌باشد. لیکن هرچه سن بالا رود، ریشه گناه در قلب قوی‌تر و محکم‌تر می‌گردد و تا جایی که کندن آن از دل ممکن نیست.^۲

در قاموس زندگی انسان‌های بزرگ، عبارتی چون «امروز و

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۳۳۱.

۲. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، امام خمینی علیه السلام، صص ۵۸-۵۹.

فردا کردن» نیست؛ ثانیه‌ها از پی هم می‌آیند و می‌روند، زمان به شتاب پیش می‌رود. کسانی حال را غنیمت می‌شمارند که پیرو راستین امام علی علیه السلام اند که فرمودند:

روزگار سه روز است که تو در میان آنهایی: دیروز با آنچه در آن بود که رفت و بازگشتی ندارد. پس اگر در آن کاری نیک کرده‌ای، از رفتن آن اندوهی نداری و از کساری که در آن کرده‌ای شادمانی و اگر کاری نابه‌جا کرده‌ای، اکنون از گذشتن آن و تقصیر خود غمی فراوان می‌خوری و فردا که تو از آن اطلاعی نداری، از کجا می‌دانی که به آن خواهی رسید و اگر رسیدی از کجا همچون دیروز بهره خود را در آن تباه کنی؟ پس آنچه به واقع در اختیار توست، همین امروز است و شایسته است چنان به کار برخیزی که گویا یک امروز بیشتر از عمر تو باقی نمانده است.^۱

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دل‌افروز خوش است
از دی که گذشت، هر چه گویی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است
خیام

«ملا مهدی نراقی» در «جامع السعادات» می‌نویسد:

روایت شده است که ناله بیشتر اهل جهنم، از فردا گفتن و به تأخیر انداختن فرصت‌هاست و

صدای «واحزنانه» از آنها، به خاطر این سهل انگاری ها بلند است.^۱

به راستی که:

قدر و وقت از نشناسد دل و کاری نکند.

بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم

حافظ

بی توجهی به فرصت ها، پی آمدهای تلخ و حسرت باری به همراه دارد؛ همان طور که ربودن فرصت ها، نتایج ارزشمندی را موجب می شود. در فرصت های طلایی عمر، ابتدا باید از خود آغاز کرد؛ نخست باید از خاک ریز خود گذشت و خط شکنی را از خویش شروع کرد. به اندرون جوارو زد و به تهذیب و پاک سازی دل پرداخت. دل را از اغیار خالی و ذهن را از سموم شست و شو داد تا در آن نور معرفت و صفای باطن یافت شود.

چه زیبا فرموده اند مولای متقیان علیه السلام که: «اگر بر فرض، ما به بهشت و دوزخ و ثواب و عقاب اعتقادی نداشته باشیم، باز هم سزاوار بود که در پی مکارم اخلاق باشیم».^۲

در هر حال، آراستگی انسان به فضیلت های اخلاقی و تهذیب نفس، از اصلی ترین دغدغه های رسولان الهی بوده است. به هر حال، برای رسیدن به این قله رفیع سعادت و سیراب شدن از شهد شیرین آرامش، همراه با مجاهده نفس، مددجویی از پروردگار متعال، امری ضروری است.

۱. جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۳.

۲. آداب النفس، ج ۱، ص ۲۶.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید :

هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

حافظ

باید دانست که اسلام در تربیت، چهره ممتازی دارد و برخلاف نظام‌های نامتعالی و غیر الهی، جهان را از دایره تنگ ماده‌پرستی و طبیعت‌گرایی فراتر می‌برد و هرکس را مسئول اعمال و رفتار خود می‌داند. در منطق تربیتی اسلام، همه جنبه‌های وجودی انسان محترم و ارزشمند است. اسلام می‌کوشد به جنبه‌های وجودی جسم و جان و دانش انسان بها دهد و قدم‌هایی که در مسیر رشد و تهذیب نفس بر می‌دارد را عبادت به حساب آورد. برنامه‌ها و اقدامات تربیت اسلامی بر فطرت انسانی استوار است و اسلام می‌خواهد حجاب‌های فطرت را بزداید و آن را شکوفا سازد. هدف از تربیت اسلامی، انسان‌سازی است و پرورش جنبه‌های معنوی و اخلاقی شخصیت انسانی، یک اصل است.

بر این اساس، مجموعه پیش رو را با نگاهی گذرا به ره‌یافت‌های شخصیتی و تربیتی بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی، به ره‌پویان تقدیم کرده‌ایم. امید که جوانان نیک‌فطرت و پاک‌دل از آن کمال بهره را ببرند.